



پرسشی از محضر عالم آل محمد / امروز حجت خدا بر خلق چیست؟

آیت الله جوادی آملی نوشت: اصل انسان همان علم است اصلی که انسان باید به آن رسد چنان که حضرت رضا(ع) می‌فرماید علم گمشده مؤمن است که در باغ ولایت پنهان گشته است از اینرو باید در آن باغ گمشده اش را بیابد.

آیت الله جوادی آملی نوشت: اصل انسان همان علم است اصلی که انسان باید به آن رسد چنان که حضرت رضا(ع) می‌فرماید علم گمشده مؤمن است که در باغ ولایت پنهان گشته است از اینرو باید در آن باغ گمشده اش را بیابد.

به گزارش خبرگزاری مهر، امام آیینی تمام زیباییهاست چنانکه جلوه های جمال و جلال ربوبی در سیمای امام درخششی تام و تمام یافته است. امام نمونه انسان کامل در مسیر صعودی و پرواز شکوهمند به سوی نیکیها و خوبیهاست. آنچه در روایات از صفات و القاب گوناگون برای امام بیان شده، هر یک ظهوری از جلوه های نورانی امامت است که ابعادی از سیمای معنوی و ملکوتی اش را فرا راه حق جویان و عارفان قرار می دهد.

امام هشتم (ع) را با القابی چون رضا، صادق، صابر و در بعضی از روایات به آن حضرت لقب «عالم آل محمد(ص)» داده شده است چرا که انتخاب این صفت بر اساس ویژگی و شرایط اجتماعی فرهنگی بوده است که امام هشتم(ع) با آن روبرو بوده اند و ائمه پیشین با دید غیبی و اطلاع از آینده آن را برای آن حضرت انتخاب نموده اند چنانکه از حضرت موسی ابن جعفر(ع) روایت شده که پدرم جعفر ابن محمد(ص) مکرر به من می فرمود(عالم آل محمد) (ص) در نسل توست و کاش من او را می دیدم و او همانام امیرالمؤمنین(ع) است.

از طرفی نیززمان امام رضا(ع)، اوج روآوری جامعه اسلامی به فلسفه و کلام و متون ترجمه شده فلاسفه یونان بود که عقیده شناسان و دانشمندان زیادی در این زمینه ها وجود داشتند.

این میلاد فرخنده و سراسر نور می تواند در همه ایام سرچشمه جوشان کسب معارف بلند خاندان رسالت قرار گرفته و ما نیز به سهم خود در این مجال به پرسشی از محضر آن حضرت در قلم ارزشمند حکیم متأله، آیت الله جوادی آملی پرداخته ایم؛

اساساً قرآن کریم ندا سر می دهد که هدف از وجود انسان عبادت است. انسان عابد کسی است که به غایت خلقت خود رسیده است و در مقابل، انسان منکر و شریر آن کسی است که همچون سوارکار در مانده ای، نه مرکوبی باقی گذاشته، نه مسافتی پیموده است.

علم درخت طوبی و عبادت بدنی، میوه آن است

آیت الله جوادی آملی در طلیعه کتاب فلسفه الهی از منظر امام رضا(ع)، عبادت را دارای مراتبی دانسته وبا استناد به فرمایش نورانی ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع) به بالاترین مرتبه عبادت که تفکر در مبدأ حقایق اشیا است پرداخته و آورده است:

عبادت دارای مراتبی است که بالاترین مرتبه آن تفکر در مبدأ حقایق اشیا و علت پدیدآورنده و مدبر آنهاست. چنان که حضرت رضا(ع) می فرماید: لیس العبادة كثرة الصلاة والصوم، إنما العبادة التفكير في أمر الله عز وجل؛ عبادت به فراوانی نماز و روزه نیست، بلکه عبادت تفکر در امر خدای والاست. زیرا تفکر درباره معبود قهراً عبادت عملی را به همراه می آورد؛ ولی این علم و آن عملی که به دنبال آن می آید، در یک درجه ارزش نیستند. زیرا علم اصل است و عمل فرع آن؛ علم درخت طوبی است و عبادت بدنی، میوه آن. چنان که حضرت رضا(ع) می فرماید: إنما العلم حياة القلوب من الجهل و ضياء الأَبصار من الظلمة و... علم قلبها را از جهل بیرون می سازد و به آنها حیات می بخشد و دیدگان را از تاریکی بیرون می آورد و به آنها نور می دمد.

علم، بدنها را از ضعف و ناتوانی می رهند و به آن نیرو می بخشد. علم، بنده را به جایگاه شایستگان و مجالس نیکان و درجات عالی دنیا و آخرت می رساند. مذاکره علمی، معادل روزه‌داری است و تدریس علم، همسان نماز است. به واسطه علم، پروردگار اطاعت و عبادت می شود و به واسطه علم صله رحم محقق، و حلال و حرام شناخته می شود. علم، پیشگام عمل است و عمل پیرو آن، سعادت‌مندان از علم بهره می گیرند و شقاوت‌مندان از آن محرومند، خوشا به حال کسی که خداوند بهره علم را بر او حرام نکرده است.

این حکیم متأله در ادامه این بحث به بیان محاسن علم و شاخصه های فرا روی آن پرداخته و نوشته است:

این امور در بیان محاسن علم، بدان دلیل است که اصل وجود هر انسانی خرد اوست و علم سبب می شود انسان خردمندتر شود. بنابراین اصل انسان همان علم است، اصلی که انسان باید به آن برسد. چنان که حضرت رضا(ع) می فرماید: ضالة المؤمن؛ علم گمشده مؤمن است که در باغ ولایت پنهان گشته است. از این رو مؤمن باید در آن باغ رود تا گمشده اش را بیابد. چنان که حضرت رضا(ع) می فرماید: رحم الله امرء أحيى أمرنا؛ خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند. به ایشان عرض شد: چگونه امر شما را زنده می کند؟ حضرت رضا(ع) در پاسخ فرمود: يتعلم علومنا و يعلمها الناس، فإن الناس لو علموا محاسن كلامنا لاتبعونا؛ کسی که علوم ما را فراگیرد و آن را به مردم بیاموزد، امر ما را زنده کرده است، چون اگر مردم از سخنان زیبایی ما آگاه گردند، قطعاً از ما پیروی خواهند کرد.

مراد از علم در این حدیث، علم به خداوند و اسمای حسنی او و علم به ملائکه و کتابهای الهی و رسولان اوست و نیز آگاهی از «اول» و «آخر» و «ظاهر» و «باطن» بودن خداست، همچنین علم به صاحب حکم بودن خدا و این که مصیر و بازگشت انسانها به سوی اوست. بنابراین هر دانشی جز این معلومات در حقیقت زائد است و علم شمرده نمی شود. زیرا علم سه قسم است: آية محكمة أو فريضة عادلة أو سنة قائمه.

وی تنها معیار در شناخت امور را همان علم اولی ضروری یا علم بدیهی قلمداد کرده و تنها راه شناسایی این علم را فقط از طریق عقل میسور دانسته که در این خصوص به سؤال ابن السکیت از حضرت رضا(ع) پرداخته و آورده است:

تنها معیار در شناخت امور همان علم اولی ضروری یا علم بدیهی است و آنچه به این علم منتهی شود. این علم بدیهی تنها از طریق عقل شناسایی می شود و حس و تجربه یا نقل و روایت در شناخت آن نقش ندارد. بنابراین معرفت حقیقی در گرو عقل خالصی است که از آشوب جدال و دسیسه خیال پیراسته است. در این خصوص ابن السکیت از حضرت رضا(ع) پرسید: امروز حجت خداوند بر خلق چیست؟ حضرت(ع) فرمود: العقل؛ یعرف به الصادق علی الله فی صدقه و الکاذب علی الله فیکذب؛ عقل است که با آن انسان راستگو شناسایی شده، راستی او گواهی می شود و نیز دروغگو شناخته شده، دروغ او گواهی می شود. ابن السکیت می گوید: به خدا سوگند که این پاسخ تمام است زیرا تنها در سایه شناخت خداوند و اسمای حسنی او همچون ربوبیت و هدایت و ... می توان پیامبر صادق را از مدعی دروغین پیامبری تمیز داد؛ اما شناخت خداوند تنها به برکت عقل خالص و پاک و برهان محض است. چون حس، توانایی شناخت خداوند را ندارد. زیرا او موجودی است که دیدگان توان درک او را ندارند، با اینکه او همه دیدگان را می بیند و خداوند لطیف و خبیر است.

از آنچه گذشت روشن می گردد:

۱. هدف آفرینش انسان همان تفکر در امر خدای والاست و انسان متفکر کسی است که به هدف خلقت خود دست یافته است؛ اما کسی که از تفکر درباره خداوند بزرگ رو گرداند، فقط زندگی دنیوی را می خواهد و نهایت هدف او از علم، همین زندگی دنیایی است. او همان انسان باطل و بیهوده ای است که از سرنوشت اصلی خود بریده، از رسیدن به هدف نهایی خود محروم مانده است.

۲. غایت نهایی تفکر همان علم به خداوند و اسمای حسنی اوست - علمی که گمشده مؤمن است - و این غایت همان است که انسان آن را می جوید؛ اما اگر کسی این طریق علمی برای رسیدن به این غایت را نجوید و به این علم (علم به خداوند و اسمای او) رو نیاورد و به آن دست پیدا نکند و به این علم خرسند نباشد، نباید از زمره مؤمنان باشد.

۳. عقل یگانه میزان و معیار برای تفکر و علم است؛ عقل موجودی است که جز در برابر حق خضوع نمی کند و جز حق از چیز دیگری فرمان نمی برد. زیرا تنها چیزی که به عقل اطمینان می دهد، یقین است و ظنی که مورد رضایت وهم و موضوع اختیار خیال است، اطمینان بخش عقل نیست.

با استفاده از همه این مطالب راز فرمایش حضرت رضا(ع) آشکار می گردد که به نقل از رسول خدا(ص) فرماید: «صدیق کل امرء عقله و عدوه جهله»؛ دوست هر کسی عقل اوست و دشمنش جهل او.

همچنین راز سخن حضرت رضا(ع) درباره این فرموده خدای متعالی: (وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا) که فرمود: یعنی «أعمى عن الحقایق الموجودة»؛ مراد آن است که هر کس به حقایق این جهان نابینا باشد، در آخرت نیز نابینا حاضر می شود.

منبع: کتاب فلسفه الهی از منظر امام رضا(ع)